

چای با نعنای

احمد خالد توفیق

مترجم : عماد جعفری

ترجمه‌ای برای تمام چای‌دوستان جهان

ج ۰۴

سرشناسنامه: توفیق، احمد خالد، ۱۹۶۲-۲۰۱۸م.

عنوان دیگر: شای بالنعناع، فارسی

عنوان و نام پدیدآورنده: چای با نعنای احمد خالد توفیق؛ مترجم عماد جعفری.

مشخصات نشر: انتشارات ۱۴۰۳ تهران

مشخصات ظاهری: ۱۴۵ص

شابک: ۹۷۸۶۲۲۸۲۳۷۷۱۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: طنز عربی -- مصر -- قرن ۲۰م.

Satire, Arabic -- Egypt -- 20th century

طنز عربی -- قرن ۲۰م.

Satire, Arabic -- 20th century

شماره افزوده: جعفری، عماد، ۱۳۷۰- مترجم

رده بندی کتب: PJA 8,2

رده بندی دیو: ۸۹۳/۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۴۱۵



انتشارات آنان

چای با نعنای

احمد خالد توفیق

مترجم: عماد جعفری

صفحه آرا: غلامرضا خدارحمی

طراح جلد: منیره رحیمی

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰ هزار تومان

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

تلفن: ۰۹۱۸۳۴۲۷۰۴۷-۰۹۳۵۴۴۱۷۹۳۰

www.nashreanan.com

فهرست

۵.....	یادداشت مترجم
۸.....	مقدمه
۱۰.....	چند ماه قبل از انقلاب
۱۱.....	حالا صندوقچه را می‌بندیم!
۱۸.....	آن تکه کاغذ هنوز در جیبم است
۲۵.....	گلچین گلچین
۳۳.....	سلامونی صحبت می‌کنم
۴۵.....	وقتی ... و سرزمین کور
۵۲.....	ز گهواره تا گور تبلیغات
۶۰.....	تنها برای دوست‌داران دخمه‌ها
۶۹.....	بعد از انقلاب
۷۰.....	قبض، حبسه، مینی‌بوث
۷۷.....	چهار ماه بعد
۸۵.....	زندانیان گرگ‌ها کاغذی است
۹۳.....	کدهای تاریخ
۱۰۰.....	عمو حجازی را فراموش نکنید
۱۰۸.....	مارا - ساد
۱۱۶.....	کلکسیونر رؤیا
۱۲۴.....	جالبناک در طب روستا
۱۳۲.....	او کجاست؟
۱۳۹.....	داستان یک عشق

یادداشت مترجم

سیاست؟! واقعاً موضوع قحط است؟!!

این سؤالی بود که سابقاً هر وقت کتابی با موضوع یا حال و هوای سیاسی به من معرفی و یا پیشنهاد می‌شد - من در حوزه ادبیات داستانی که همه می‌دانند نمی‌توانم به سادگی به آن نه بگویم - به ذهنم می‌رسد. اما خوب، نمی‌دانستم قرار است بعدها با فردی آشنا شوم که برخی از اساسی‌ترین حداب‌هایم در حوزه ادبیات را دگرگون کند. فردی با فاصله زمانی صفر و البته فاصله مکانی تقریباً ۳۰۰ کیلومتر! هرچند ایمیل من در سال ۲۰۱۸ کمی دیر ارسال شد و هیچ‌وقت به دست او نرسید و هم‌چنان در حسرت یک مکاتبه با او مانده‌ام، اما امروز خوشحالم که با او و آثارش آشنا شدم و به هم خودم توانسته‌ام آن را به دیگران نیز معرفی کنم.

آشنایی من با دکتر احمد خالد توفیق، پزشک و نویسنده فقید مصری بیشتر شبیه یک جادو بود تا هرچیز دیگری. این را این‌جا نه از آن جهت می‌نویسم که آشنایی با او و آثارش (آثاری مثل قلقلک، خنده‌های غم‌انگیز و ... که اگر هنوز موفق به خواندن آن‌ها نشده‌اید، توصیه می‌کنم به آن نیشکرهای ادبی هم سری بزنید) باعث شد چیزهای زیادی با بگرم و با پدیده‌ها و اطلاعاتی که بعید می‌نمود در طول زندگی‌ام به این راحتی‌ها به آن بربخورم آشنا شوم. بلکه این جادو را این‌جا از این بابت می‌خواهم مطرح کنم که توفیق مرا چنان با دو تا از نفرت‌های ادبی‌ام انس داد که حالا خودم هم بخواهم نمی‌توانم آن‌ها نادیده بگیرم و سراغشان نروم. آن دو پدیده، یکی پدیده وحشت بود که سابقاً اصلاً نمی‌توانستم آن را تاب بیاورم و از هر اثر ادبی که به نوعی به گونه وحشت مرتبط می‌شد دوری می‌کردم. اما پس از آشنایی با توفیق و مرور آثار وحشت او، حالا می‌توانم بگویم به واسطه ماوراء الطبیعه او یکی از طرفداران پروپاقرص گونه وحشت شده‌ام. و اما پدیده دوم که از وحشت هم برایم منزجرکننده‌تر بود،

پدیده سیاست است. طوری که هیچ وقت فکرش را نمی کردم حتی همین توفیق بتواند کاری کند که با آن کنار بیایم. اما خوب، ظاهراً توفیق پس از خواندن هر اثر جدیدش، برگ برنده جدیدی دارد تا برایم رو کند. و نتیجه اش؟ همین کتاب که حالا مهمان دستان شماست! چای با نعنای! عنوانی که آن قدر آرامش بخش و باصفاست که به این سادگی ها نمی توان از کنارش گذشت. و آن قدر مسحور کننده که شاید کسی باورش نشود نویسنده قرار است یکی از سخت ترین مجموعه جستارهایش از لحاظ موضوع و محتوا را با کمک قند قلمش پهلوی همین چای داغ و لب سوز توی دل خوانندگان جا کند. موضوعی که محور این مجموعه جستار قرار گرفته و شاید خیلی از شما هم جز نامی مختصر و پی گرفتن چند خبر سطحی از رسانه ها درباره آن چیز دیگری نشنیده باشید: انقلاب ۲۰۱۱ مصر! انقلابی که به واسطه نزدیکی به زمان ما و حضور مستقیم و بی واسطه خود نویسنده در فضای آن حاوی عبرت های بسیاری برای تاریخ خواهد بود. اما این انقلاب و وقایع و حواشی مرتبط با آن چه چیز جالبی می تواند برای ارائه، خنثی، به خوانندگان فارسی زبان و ایرانی، داشته باشد؟ این نکته مهمی بود که شاید خود من هم نتوانم را بخوانده بودم پاسخ مناسبی برایش پیدا نمی کردم. شاید الآن هم بهتر باشد توضیحی درباره اش بدهم و بگذارم تا شما نیز خودتان به پاسخ آن برسید. به هر حال، این کتاب به هر طریقی که بود، الآن به دست شما رسیده و حیف است آن را تورقی نکنید؛ حتی اگر چرایی آن را نیافتد باشد. تنها همین قدر بگویم که بعد از خواندن آثار متعدد از احمد خالد توفیق، آن قدر آثار و دغدغه های اجتماعی اش را نزدیک به حال و هوا و روح اجتماعیات خودمان دیده ام که بعید می دانم او در دنیای موازی یک ایرانی نبوده باشد! البته توجیهات زیادی در این باب می توان برای این قریب اندیشه و تفکر آورد. چیزهایی مثل قرار گرفتن در موقعیت اجتماعی نزدیک (خاور میانه)، روح یکسان حاکم بر کشورهای اسلامی، مطالعات گسترده توفیق و آشنایی با فرهنگ کشورهای مختلف از جمله ایران (که در یکی از آثار داستانی اش هم به طور مجزا به آن پرداخته است) و ... اما بگذارید من پا را از این فراتر بگذارم و بگویم که با خواندن آثار او نکاتی را خواهید دید که هیچ کدام از توجیهات سابق در پاسخ دادن به این که چرا او این قدر حرف های هم ذات پندارانه با ما دارد توانا نیستند. پس بگذارید همان فکر کنم در جهانی موازی یک هموطن مصری دارم! به هر حال، امیدوارم از خواندن این جستارها لذت کافی و وافی را ببرید. برای هر چه راحت تر درک کردن مفاهیمی که شاید برای طیف های مختلف خوانندگان نامفهوم یا نیازمند شرح

باشد، در هر جستار با رسیدن به کلیدواژه‌هایی خاص، توضیحاتی مختصر و مفید در پاورقی برای هر کدام ارائه کرده‌ام تا خوانش جامع‌تر و راحت‌تری از این کتاب داشته باشید. بیش از این معطلتان نکنم؛ همین حالا یک لیوان چای‌نعناع برای خودتان آماده کنید و پای حرف‌های دکتر احمد خالد توفیق بنشینید تا ببینید این بار برایتان چه تحفه‌ای رو خواهد کرد.

عماد جعفری

شهریور ۱۴۰۳ - یزد

مقدمه

مدتی می‌شود که برای مجلهٔ الشباب، که از انتشارات الأهرام صادر می‌شود، به‌طور ماهیانه جستار می‌نویسم. و این سلسله جستارها بعد از داستان‌های ترسناک ماهیانه‌ای که با عنوان صندوقچهٔ دکتر محفوظ می‌نوشتیم - مرحلهٔ دوم محسوب می‌شود. پس از آن دوست عزیزم محمد عبدالله، رئیس فعلی هیئت تحریریهٔ مجلهٔ الشباب از من خواست که در صندوقچهٔ دکتر محفوظ را ببندم و «تا همین جا دیگه بسه.» من هم از آن موقع نوشتن سلسله جستارهایی با نام جای با نعناع را شروع کردم و نوشتن آن‌ها را تا وقتی ادامه خواهم داد که یا مرا از این‌جا بیرون کنند یا خوانندگان از طعم جای با نعناع به تنگ بیایند.

من واقعاً از نوشتن این جستارها خرسند و خوشبختم؛ چون به من آزادی انتخاب موضوع جستار را می‌دهند و خواننده هیچ موضوع خاصی را از من انتظار ندارد. این جستارها نه آن‌طور که خوانندگان روزنامهٔ الاستور و بعد از آن روزنامهٔ التحریر از من انتظار داشتند سیاسی هستند، و نه آن‌طور که خوانندگان دنیای روزنامهٔ الاتحاد انتظار داشتند جستارهای کوتاه طنزنند، و نه آن‌طور که خوانندگان که سی انتظار دارند در زمینهٔ علمی محض نوشته شده‌اند، و نه حتی آن‌طور که خوانندگان سایت به و طل انتظار داشتند نوع خاصی از جستارنویسی را دنبال می‌کنند.

به همین خاطر در نوشتن این جستارها خیلی راحت بودم. عنوان «جای با نعناع» هم از آن‌جا که الهام‌گر آسودگی و صفا و خوشی و صمیمیت است، واقعاً برای آن مناسب بود. هرچند، یک مشکل کوچک پیدا شد. دوست جوان و مهربان من «دعاء شعبان» اولین مجموعه داستان و جستارش را به من تقدیم کرد که عنوان آن نیز جای با نعناع بود. من جستارهایم را پیش از آن که مجموعه «دعاء» را ببینم نوشته بودم و مطمئنم که او عنوانش را از عنوان جستارهای من نگرفته است. چراکه کتاب جای با نعناع او در داستان‌های خود یک مجموعه با اصالت و مهم محسوب می‌شود. به همین خاطر این موضوع را یک تداخل افکار و مسئلهٔ تله‌پاتیک به حساب می‌آورم. با وجود این، من از او اجازه خواستم که همین

^۱ یک سایت اینترنتی مصری برای تمام گروه‌های سنی که در آن مطالبی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هنری و ... قرار داده می‌شود. م

عنوان را برای مجموعه خودم استفاده کنم، چون به هر حال کتاب او اول منتشر شده بود. او نیز این را پذیرفت.

همچنین در این مجموعه در جستارهای پیش از انقلاب و بعد از انقلاب طبیعت واضحی وجود دارد. با وجود این که من تأکید داشتم از سیاست دور بمانم، اما سیاست همواره مثل یک مه از زیر در و از راه پنجره‌های نیمه‌باز به خانه آدم نفوذ می‌کند. به همین خاطر حتماً در این جستارها موضوعات سیاسی زیادی پیدا می‌کنید. و برای همین تصمیم گرفتم کتاب را به دو بخش واضح پیش از انقلاب و بعد از انقلاب تقسیم کنم.

همچنین در این مجموعه جستاری در مدح هنرمند کاریکاتوریست بزرگ «حجازی»^۱ خواهید یافت. و چه قدر آرزو داشتم که خود او پیش از درگذشتش آن جستار را می‌خواند. اما متأسفانه او چند ماه بعد از انتشار این جستار ما را ترک کرد!

به هر حال، امیدوارم این مجموعه به مذاقتان خوش بیاید. و دوباره تکرار می‌کنم: چیزی که این مجموعه را متمایز می‌کند صداقت، گرمی و صمیمیت موجود در آن است. در باقی موارد می‌توانید هرطور خواستید آن را نقد و یا ستایش کنید.

دکتر احمد خالد توفیق

^۱ احمد ابراهیم حجازی یا اختصاراً احمد حجازی (درگذشته ۲۰۱۱ میلادی) کاریکاتوریست و طنزپرداز مصری. م